

جام سیمین هخامنشی در موزه صوفیه

در دوران هخامنشی بعلمت وجود يك شاهنشاهی بزرگ و جهانی هنرهای تجملی پیشرفت شایانی نمود بویژه زرگری ، نقره کاری ، قلم زنی ، جواهر سازی و اصولاً فلزکاری مورد توجه بسیار قرار گرفت . به استناد کتیبه گلی مکشوف در شوش که متعلق به داریوش کبیر است در آن زمان طلا را از سارد یا باختر، سنگ لاجورد و عقیق را از خوارزم، نقره و مس را از مصر و عاج را از حبشه و هند میآوردند و بیشتر زرگران مادی و مصری بودند^۱.

بصم

فرخ نگرزاده

(دکتر در باستانشناسی)

آثار بجامانده از این دوران بازوان ، ابعاد و اشکال مختلف میباشد که باظرافت و ریزه کاری

۱ - نگاه کنید به :

R. Ghirshman, Iran, Proto Iranier Meder Achameniden. München 1963 p.140.

مجموعین کتاب تمدن هخامنشی تألیف آقای علی سامی چاپ شیراز ۱۳۴۲ جلد اول

صفحه ۹۳ و جلد دوم صفحه ۱۷۰

خاصی برای مصارف گوناگون طراحی و ساخته شده است و در تمام آنهمه هارت و استادی هنرمندان بخوبی آشکار است این آثار که در واقع افتخارات باستانی ما محسوب میشوند هم اکنون زینت بخش موزه های مختلف جهان و مجموعه های شخصی است .

در مسافرتی که نگارنده در ایام نوروز گذشته به خارج نمود در طبقه فوقانی موزه ملی باستانشناسی صوفیه (پایتخت کشور بلغارستان) به یکی از آثار جالب دوران هخامنشی برخورد نمود که در اتیکت آن چنین نگاشته شده است .

«L'amphore de Duvalii-argent, V.s.av.n.è.»

«گلدان نقره ای دسته دار، مکشوف از دووانلی قرن ۵ پ . م .» و متأسفانه در باب اینکه این گلدان به کدام قوم تعلق داشته و مربوط به چه تمدنی است ذکری نشده است .

این گلدان در حدود ۲۷ سانتیمتر ارتفاع داشته و جنس آن از نقره است .^۲ (شکل ۱) با وجودیکه در چند ناحیه آسیب دیده و شکسته شده است فرم اصلی و زیبایی خود را حفظ نموده و بمعنی واقعی شاهکاری است جالب و ارزنده و در میان آثار فراوانی که در موزه صوفیه موجود است این گلدان همچون نگین انگشتری جالب توجه نموده معرف و مبین تمدن و هنری بس درخشان و عالی است .

این ظرف یا گلدان شبیه کوزه کوتاهی است که دهانه گشادی دارد . ارتفاع قسمت بالا یا گردن که به دهانه منتهی میشود تقریباً $\frac{1}{3}$ قسمت پائین است . در قسمت گردن هیچگونه تزیینی وجود ندارد ولی در بدنه ظرف سه ردیف مجزا بر روی هم کار شده است که در ردیف بالا و وسط از تزیینات نیلوفر آبی و برگ خرما (در جهت مخالف هم) استفاده شده است در ناحیه پایین ظرف شیارهای عمودی و موازی با یکدیگر که به ته ظرف منتهی میشود

۲ - نگاه کنید به

A. U. Pope. *A. Survey of persian Art.*, vol. IV, London 1938 Plate 117 A



شکل ۱ - گلدان نقره‌ای مربوط به هنر هخامنشی در موزه ملی باستانشناسی صوفیه
(بلنارسنستان) عکس از نگارنده .

قرار دارند. گردن ظرف وردیف اول از يك حاشیه برجسته که از تر کیب اشکال بیضی شکل تشکیل یافته است از هم مجزا شده اند.

در طرفین بالای گلدان دسته‌ای قرار دارد که از مجسمه سر شیر با شاخهای بز کوهی ساخته شده است و وضع حیوان‌ها نسبت به جام در جهت مخالف قرار دارد. دو پای جلوشیرها بر لبه دهانه ظرف وصل است ولی سر خود را به پشت برگردانده‌اند. دهان شیرها به حالت خشم و غضب باز بوده و چنین مینماید که این دو حیوان محافظ جام و محتوی آن میباشند. شاخهای یکی از دو مجسمه شکسته شده و قسمت پایین آنها نیز که محل اتصال مجسمه حیوان‌ها به بدنه ظرف است آسیب دیده که با پلاستیک شفاف شیشه‌شیشه تعمیر گردیده و به بدنه گلدان چسبانیده شده است در حالی که در سال ۱۹۳۸ پروفیسور پوپ که این اثر را در کتاب خود معرفی کرده است (شکل ۲) چنین تعمیری بعمل نیامده بود. پشت شیرها نیز آسیب دیده و قسمتی از دنباله مجسمه شکسته است چنانچه این قسمت سالم میبود مسلماً زیبایی آن چند برابر میگشت.

کشف آثار دوران هخامنشی در بلغارستان موضوع غیر مترقبه‌ای نباید توجیه گردد. بلکه بعکس باید آنرا امر کاملاً عادی و طبیعی دانست زیرا هخامنشیان شاهنشاهی وسیعی به وجود آوردند که یکی از ساتراپیهای آن را ایالت مقدونیه تشکیل میداد. این ایالت نزدیک داسکیلوم قرار داشت که از آنجا آثار فراوانی مربوط به هخامنشیان بدست آمده است در حقیقت باید منتظر بود تا در بررسیها و حفاریهای بعدی دانشمندان بلغاری که در نقاط مختلف آن سرزمین انجام خواهد یافت آثار جالب فراوانی مربوط به هنر هخامنشیان بدست آید.

برای اثبات تعلق این گلدان پر هنر هخامنشی لازم است بگوئیم:

مجسمه و نقش جانوران شاخدار و بالدار که در این گلدان مینیمیم قرن‌ها پیش از هخامنشیان توسط هنرمندان ایرانی مورد استفاده قرار گرفته است و در هر دوره و مکانی معانی خاصی داشته است ولی هنرمندان دوره هخامنشی این موضوع را از نظر هنری بنهایت کمال رسانیدند.



شکل ۲- همان گلدان نقره‌ای قبل از تعمیر در سال ۱۹۳۸ عکس از
A. U. Pope, *A. Survey of Persian Art*, Vol. IV London 1938 Plate 117 a

معروفترین نمونه این هنر پیکر دوز کوهی بالدار است که جنس آن از مفرغ میباشد، هنرمند باریزه کاریهایی از طلا آنرا زینت داده و از آن برای دسته کوزه استفاده کرده است که بقول مرحوم پروفیسور پوپ... این دوزبزه چهنده که گوئی تجسم شور و غلیان بهاری است زنده و پرنیرو و جالب نظر اندو از جمله گرانبها ترین اشیاء موزه لوور و موزه برلن بشمار میآیند^۳...

نمونه های دیگری از این نوع حیوانات نیز در موزه بریتانیا و موزه ارمیتاژ لنین گراد در موزه هنری بوستن و غیره وجود دارد.^۴

همانطور که در بالا گفته شد جنس این گلدان از نقره است و رنگ کلی آن نقره ای تیره است ولی برای زینت بیشتر برخی از قسمت های آن مثل تزئینات و شاخها با پوشش نازکی از طلا کار شده است.

نقوش روی بدنه این گلدان بحالت برجسته است و هنگامی که آنرا از داخل نگاه کنیم فرورفتگیها و برجستگیهای تزئینات بدنه گلدان از پشت بخوبی دیده میشود این اثر در نتیجه پژوهشهایی که دانشمندان درباره تمدن و هنر شرق بعمل آورده اند در بعضی کتب بعنوان یکی از شاهکارهای دوره هخامنشی معرفی شده است.

در نقوش برجسته تخت جمشید در دست نمایندگان بسیاری از ملتها که مالیات یا هدایائی تقدیم ایرانیان مینمایند جامهای طلا نیز دیده میشود. دسته این جامها مانند دسته ظرف مورد بحث ما به شکل مجسمه حیوان است^۵ (شکل ۳) بیشتر این جامها در قسمت وسط برآمدگی بیشتری داشته و از فلزات گرانبها میباشد و تزئینات روی آنها بیشتر گل چند پر بابرک خرما (بقول

۳- درباره بعضی از آثار مکشوف در داسکیلیوم نگاه کنید به مقاله «نقوش زن در هنر هخامنشی» در صفحات

۹۴-۱۳۴ شماره ۱۰۲ سال ۱۶ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران آرماد ۱۳۴۷

۴- نگاه کنید بکتاب **شاهکارهای هنر ایران** تألیف مرحوم پروفیسور پوپ

ترجمه دکتر خالری تهران ۱۳۳۸ صفحه ۲۳.

۵- همان کتاب صفحه ۲۳.

عده‌ای این عنصر تزئینی ماخوذ از هنر آشوری است^۶ در حالیکه اینگونه طرحها قبل از آشوریاها مورد استفاده هنرمندان ایران قرار گرفته است^۷ گلبرگهای نیلوفر آبی و یک ردیف دایره یا طرح شبیه بادامهای کوچک بشکل نوار است (شکل‌های ۵ و ۴).

این نوع جامها شبیه کوزه بیضی شکل است که در بالا دارای دودسته می‌باشد (شکل ۶). دسته‌ها شبیه هم بوده و بشکل مجسمه حیوانی است. این نوع ظروف^۸ از مدت‌ها پیش مورد علاقه هنرمندان ایران بود (شکل ۷) مثلا ظروف مکشوف از گورستان (ب) سیلک کاشان متعلق به اوایل هزاره اول پیش از میلاد^۹ رامیتوان آغاز بوجود آمدن چنین شکلی دانست که بعدها در دوران هخامنشی فرم تکامل یافته آن که از لحاظ هنری باوج کمال رسیده است مشاهده میشود این نوع ظروف در دوران اشکانی و ساسانی^{۱۰} ادامه یافت و حتی از ایران به کشورهای همسایه نیز نفوذ نمود.

۶ - نگاه کنید به

E. Schmidt, *Perspolis I*, Chicago 1957 1957 p. 70-81 Plate 32 B

William Culican, *The Medes and Persians*. London 1965 p. 147

همچنین کتاب فوق‌الذکر پرور و فسور پوپ صفحه ۹۲ شکل B و صفحه ۹۳ شکل A

۷ - کتاب سابق‌الذکر گبر شمن صفحه ۲۵۶.

۸ - این نوع متیفا با تغییراتی در روی آثار پیش از هخامنشی بویدو در فلز کاری

نقاط مختلف مثل مارلیک - حسنلو - لرستان و غیره مورد استفاده هنرمندان ایران قرار گرفته است.

۹ - برای گلدان یا جامهای دوره هخامنشی نگاه کنید به

Kunstschatze aus Iran. Wien 1963, p. 87 Kataloges 362. 363. 364.

Illustrated London News 27. London 1958 p. 1411 fig 8.

P. Amandry, *Antik Kunst*, 1959; Jean-Louis Huot, *Persien I*, München 1965 p. 157-173.

و کتاب فوق‌الذکر گبر شمن صفحه ۲۵۴ شکل ۳۰۷ و صفحه ۲۵۵ شکل ۳۰۸ و صفحه ۲۷۰

شکل ۳۳۳ و جلد دوم کتاب **تمدن هخامنشی** تألیف آقای علی سامی چاپ شیراز ۱۳۴۲

صفحه ۱۳۴ و کتاب فوق‌الذکر پوپ صفحه ۱۱۷ شکل D و C

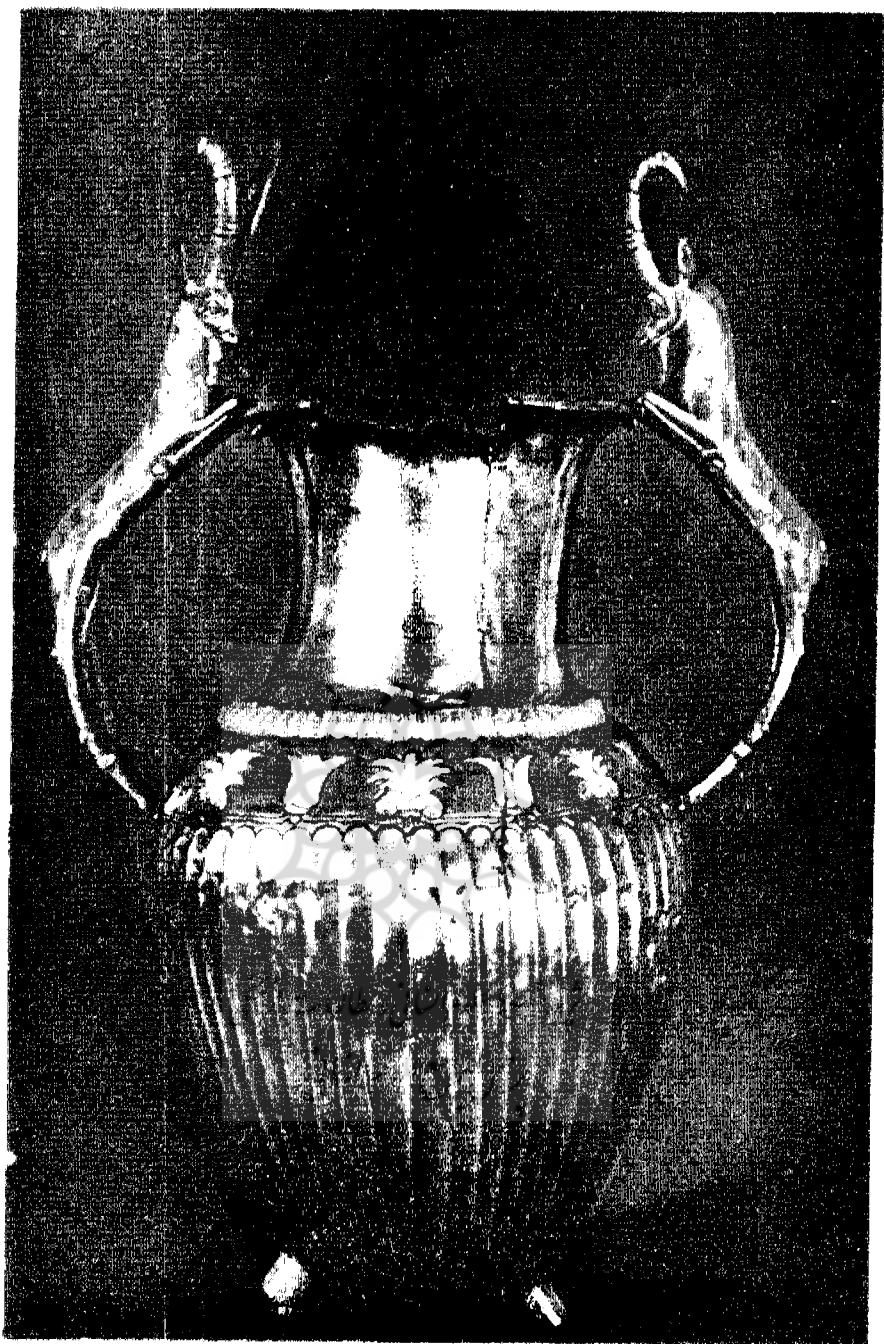
۱۰ - صفحه ۲۵۶ کتاب فوق‌الذکر گبر شمن واو حه ۱۰ شکل‌های E.D.C.B.A

کتاب فوق‌الذکر پوپ.



شکل ۵ - گلدان نقره‌ای مربوط به هنر هخامنشی متعلق به مجموعه خصوصی بی‌ال
(سوئیس) عکس از

Kunstschatze aus Iran, Wien 1963, p. 87 katalog 363.



Das Gefäß ist ein Werk des antiken Mesopotamischen Glaskunst - 2. Jhr
179. Tafel (C. 179) großes Gefäß



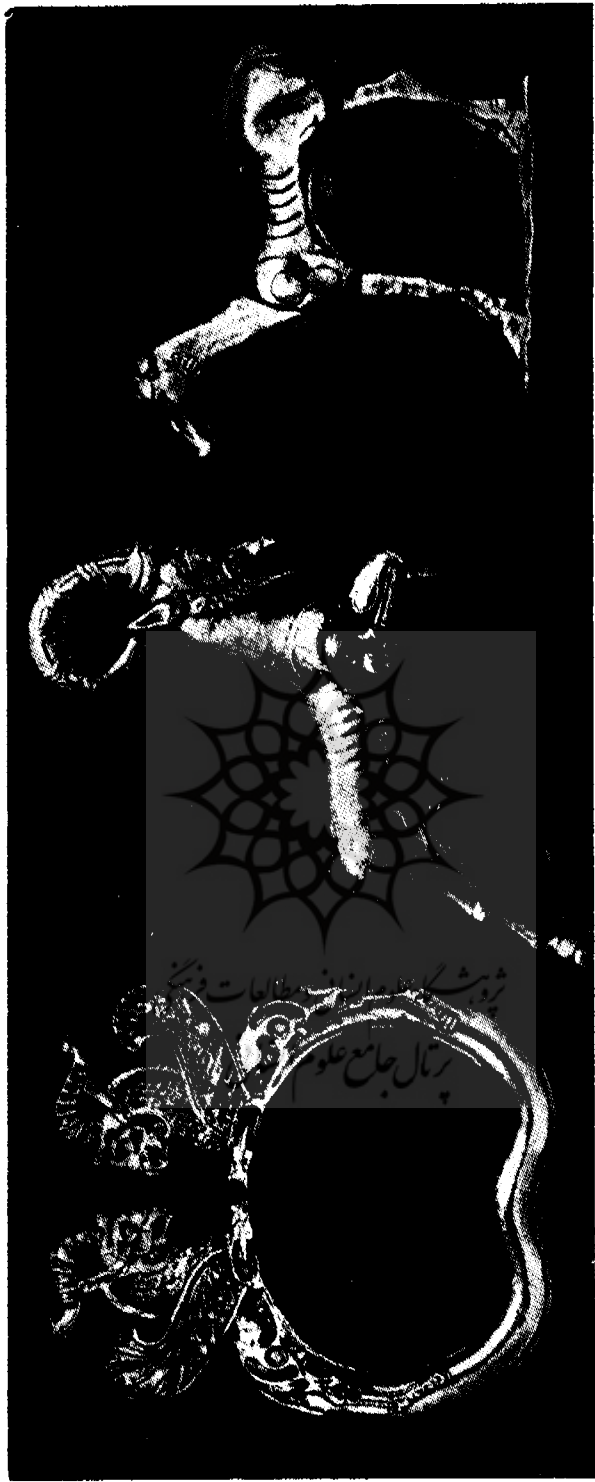
پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۶- گلدان نقره‌ای شبیه بکوزه تخم مرغی شکل با شیارهای افقی و موازی مربوط
به هنر مغانی در موزه ایران باستان تهران عکس از
Kunstschatze aus Iron, Wien 1963, p. 70 katalog 364.



شکل ۷- ظرف نقره‌ای که دسته‌هایی بشکل مجسمه گاودارد عکس از
Kunstschatze aus Iron, Wien 1963, p. 55 katalog 182.



شکل ۸ - سه اثر از کتیبه جیخون دو موزه بریتانیا (لندن) مربوط به هنر هخامنشی عکس از
R. Ghirshman, *Iran, Proto Iranier, Meder Achameniden*, München 1961
p. 249 Fig 302.

دانشمندان زیادی در باره فلزکاری و اشیاء هنری دوره هخامنشی کار کرده‌اند. اینان در مقالات و کتب خود این آثار را بطور پراکنده یا کلی بررسی نموده^{۱۱} و در همه جا هنر و هنرمندان این عصر را ستوده‌اند. ولی ارزش هنری این آثار بقدری است که باید دهها و بلکه صدها کتاب تحقیقی دیگر در این مورد نگاشته شود.

مقدار بسیاری از جواهرات این دوره در یک قبر هخامنشی در شوش و در مجموعه معروف به گنجینه جیحون (شکل ۸) و همدان بدست آمده است و مسلماً در کشفیات و حفاریهای بعدی آثار بیشتری بدست خواهد آمد که اطلاعات و معلومات ما را در این زمینه کاملتر خواهند نمود.

آنچه از فلزکاری و جواهرسازی هخامنشی تا کنون بدست آمده از عبارت است ظروف دسته‌داری که مجسمه‌سریک حیوان در بالای دسته آن قرار داده شده است که این حیوانها کثراً بالدار است بشقابهای نقره‌ای با نقشی شبیه به گل پنج پرویا نقرشی متشکل از یک ردیف برجستگی. جام‌های شبیه به شاخ حیوان (ریتون) از طلا یا نقره که بسر حیوان منتهی میگرددند.^{۱۲}

جواهرات این دوران نیز متنوع است مثل گوشواره‌های شبیه به هلال ماه که در آن صنعت ترصیع بکاررفته است. گوشواره‌های طلا که طرفین آن به سرشیر یا حیوان اساطیری منتهی میگرددانگشتریها، بازوبندها، گردنبندهایی

۱۱ - نگاه کنید به

R. Ghirshman, *Iran Parthians and Sassanians*. 1962.

۱۲ - درباره فلزکاری و زرگری دوره هخامنشی نگاه کنید به

O.M. Dalton, *The Treasure of the Oxus*. London 1929; H. Frankfort, «A Persian Goldsmith's Trial piece.» *Journal of Near Eastern Studies*, vol. IX (1950), p. 111-12; E. Herzfeld, «Eine Silberschüssel Artaxerxes I» *Arch. mitt. aus Iran*, vol. VII (1935) p. 19; H.J. Kantor, «Achaemenid Jewelry in the Oriental Institute» *Journal of Near Eastern Studies*, vol. XVI. (1957), p. I-23; A.U. Pope «Ancient Persian Art: Animal Sculpture in Gold and Electron», *JLN*. no 5002, March 1935.

مرکب از دانه‌های طلا یا سنگهای قیمتی. ۱۳
صنعت فلزکاری و طلاکاری به شیوه دوران هخامنشی قرن‌ها پیش از هخامنشیان در اکثر نقاط ایران رواج داشته است که نمونه‌ای از پیشرفت و تکامل آنرا در آثار مارلیک که مربوط به اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد بوده و توسط آقای دکتر نگهبان حفاری و بدست آمده است مشاهده میکنیم: آثار فلزی مارلیک (طلا، نقره، برنز) که از نظر طرح و ظرافت و تناسب و زیبایی صفحه تازه‌ای در تاریخ هنر جهان گشوده است دارای تزییناتی بشکل نقوش برجسته و کنده است که هنرمندان برای ابداع آنها از طبیعت مجاور خود و اشکال جالب حیوانات، پرندگان، گیاهان و نباتات الهام گرفته‌اند^{۱۴}
ادامه و تأثیر صنعت فلزکاری مارلیک را در حسنلو^{۱۵}، لرستان^{۱۶}،

۱۳ - درباره این نوع ریتمون‌ها نگاه کنید به

Kunstschatze aus Iran, Wien 1963, p. 84 katalog 340; Joseph.

Wiesner *Die Kunst des Alten Orients*, Berlin 1963, p 122-135 Fig 55

و کتاب **هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی** تألیف رمان گیرشمن (ترجمه دکتر عیسی بهنام) تهران ۱۳۴۷ صفحه ۲۴۳ - ۲۷۰ شکلهای ۲۴۲ و ۳۰۶ و مقاله «شیر و نقش آن در معتقدات آریایی‌ها» بقلم دکتر جهانگیر قائم مقامی در شماره ۳ سال یکم آبان ماه ۱۳۴۵ صفحات ۹۱ - ۱۴۳ شکل ۸ مجله **بررسیهای تاریخی** صفحات ۲۱ - ۲۵ - لوحه ۳۵ کتاب فوق‌الذکر **شاهکارهای هنر ایران**

۱۴ - درباره جواهرات دوره هخامنشی نگاه کنید به

T. Rice, «Achaemenid Jewelry» *Pope I*, p. 377-382; Anonymus, «A Gold Cup from Iran» *The Art Quarterly*, 1956, p. 491-493; C.J.Gadd, «Three Persian Amulets» *British Museum Quarterly*, vol. XI (1937) p. 121-22; «A Silver Dagger-Hilt, from Iran» vol. XII (1939), p. 36-38; G. Pudelko, *Alt-persische Armbaender* «Archiv für Orientforschung», Band IX (1934), p. 85-88.

۱۵ - نگاه کنید بکتاب مارلیک بقلم دکتر عزت‌اله نگهبان چاپ تهران ۱۳۴۳ صفحه

۱۶ - درباره آثار و حفاریات حسنلو نگاه کنید به

Rabert H. Dayson, «Iran 1956» *University Museum Bulletin*, vol. 21 (1957), p. 37-39; Idem, «Iran 1957: Iron Age Hasanlu» *University Museum Bulletin* vol. 22 (1958), p. 25-32.

همچنین مقاله شرح و نتیجه علمی حسنلو (سلدوز) بقلم آقایان مهندس حاکی و راد در جلد اول گزارشهای باستانشناسی چاپ تهران ۱۳۲۹ صفحات ۱۰۳-۸۷

زیویه^{۱۷} و نقاط مختلف ایران مشاهده میکنیم. بدین سبب فلزکاری هخامنشی میراث ارزنده هنری و فرهنگی این مرز و بوم است که قرنهای پیش از آن در ایران وجود داشته است و همانطور که اشاره نمود هنرمندان هخامنشی موفق گردیدند آنرا به حد کمال برسانند.

با توضیحات بالا و مشاهده ظروف و گلدانهای دوره هخامنشی و مقایسه آنها با گلدان مورد بحث بنظر میرسد بجا باشد که مسئولین محترم موزه ملی باستانشناسی صوفیه برای راهنمایی بیشتر بینندگان در اتیکت این اثر تعلق آنرا به هنر هخامنشی قید فرمایند.

پایان

۱۷ - درباره برنزهای لرستان نگاه کنید به

Johannes A.H. Potratz, *Die Pferdetransen des Alten orient*, Roma 1966
A. Godard, «Bronze du Luristan», *Connaissance des Arts*, no 69 (1957), p. 96-102; C.J. Gadd, «Bronzes from North-West Persia», *British Museum Quarterly*, vol VII (1932), p. 44-46; R. Dussaud, «Haches à douille du type asiatic» *Syria*, vol. IX (1930), p. 245-271; V. Minorsky, «The Luristan Bronzes» *Apollo*, vol. 13 (1931), p. 141-143; L. Legrain, «A collection of Bronzes from Luristan,» *University Museum Bulletin*, vol. II (1931), p. 194 sg.

و درباره زیویه نگاه کنید به

A. Godard, *Le Trésor de ziwiye (Kurdistan)*, Haarlem «Service archeologique de l'Iran» 1950; Idem, «A propos du trésor de Ziwiye» *Artibus Asiaticae*, vol. XIV (1951), p. 240-245; M. Falkner, «Der Schatz von Ziwiye» *Archiv für Orientforschung*, vol. XVI (1952), p. 129-132; M. S. Dimand, «Treasures of Iranian Art» *Bull. Metrop. Museum of Art*, 1950 p. 145-153.

و کتاب باستانشناسی ایران باستان تألیف لویی واندنبرگ (ترجمه دکتر عیسی بهنام)

تهران ۱۳۴۵ صفحات ۱۱۰-۱۱۵

و نیز درباره بعضی از آثار مکشوف در داسکیلیوم نگاه کنید به مقاله «تقوش زن در هنر هخامنشی» در صفحات ۹۴-۱۳۴ شماره ۲۱ سال ۱۶ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران آذرماه ۱۳۴۷